فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۶- صفحات ۹۰- ۶۵

نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی

رحمت‌الله عبدالله‌زاده[۱]
مصعب عبدالهی[۲]
حسین غفورزاده[۳]
زهرا عبدالهی[۴]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۳/۰۳

چکیده

فساد اقتصادی از مسائل مهمی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از دولت‌ها، مدیران و پژوهشگران را به خود معطوف ساخته است. در همین ارتباط، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی انجام گردید. این پژوهش در طبقه‌بندی کلی تحقیقات، بنیادی و با توجه به هدف، کاربردی محسوب می‌شود. برای جمع آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای و تحلیلی توصیفی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش، در زمینه پیشگیری از فساد اقتصادی نظیر آگاه‌سازی؛ تزکیه نفس؛ جلوگیری از پیدایش زمینه‌های فساد (۱. تمهیدات لازم برای پیشگیری از فساد در معاملات، ۲. نظارت دقیق، ۳. انتخاب افراد متعهد و متخصص برای اداره کشور، ۴. کاهش دادن فقر و نابرابری در جامعه و...) نشان می‌دهد به‌کارگیری این آموزه‌های دینی در زندگی باعث کاهش بروز فساد اقتصادی می‌شود. و براساس آیات و روایات، اصلی‌ترین مسأله در امر پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی، احیای معنویات، اخلاقیّات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد اقتصادی است.

واژگان‌کلیدی: قرآن و روایات، فساد، فساد اقتصادی.
طبقه‌بندی JEL: D73، D79، Z12، Z19.

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه الهیات، دانشگاه پیام نور آران و بیدگل abdollahzadeh_arani@yahoo.com
۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور ایران. پست الکترونیکی raveshetahghigh1395@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی(نویسنده مسئول) hghafoorzadeh@yahoo.com
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات دانشگاه پیام نور آران و بیدگل zahrarany68@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

چندی است که لزوم مبارزه با پدیده فساد اقتصادی در جامعه مطرح و تاکید می‌شود و در این باره همایش‌ها و سفارش‌های بسیاری از بزرگان و مسوولان دینی و حکومتی کشور به چشم می‌خورد. از طرفی هر از چند گاهی از طریق رسانه‌های گروهی مطلع می‌شویم که فلان مسئول یا فلان شخصی که هیچ نام و نشانی از او در اذهان و جامعه نبوده است، به جرم فساد مالی مجازات و جریمه شده و می‌شود.

فساد اقتصادی با ابعاد گوناگون باعث ایجاد اخلال در نظام اقتصادی یک کشور گردیده و نیز موجب از بین رفتن عدالت اجتماعی، افرایش فاصله طبقاتی، سلب اعتماد عمومی و افزایش محرومیت و فقر توده کثیری از مردم در اثر تکاثر ثروت عده قلیلی می‌شود.

مبانی نظام اقتصادی اسلام اشارات مکرری را در نفی و مبارزه با معضل فساد اقتصادی و ارائه الگوهای عملی از آن در سیره حکومتی ائمه معصومین(ع) دارد. با توجه به این که فساد باعث ایجاد اختلال در تحقق اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام نظیر عدالت و رفاه اقتصادی می‌شود؛ بررسی مفهوم فساد اقتصادی در آیات و روایات و نیز بررسی نقش این آموزه‌ها برکاهش فساد اقتصادی مهم به نظر می‌رسد؛ البته در مبارزه با مفاسد اقتصادی باید از اساس روی روش‌های پیشگیری تأکید شود و پس از توجّه به مسائل پیشگیری کننده باید سراغ درمان و روش‌های اجرایی در امر مبارزه رفت. اصلی‌ترین مسأله در امر پیشگیری، احیای معنویات، اخلاقیّات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد اقتصادی است که هدف تحقیق حاضر است؛ و سپس باید به دنبال تقویت عوامل بیرونی باشیم. بنابراین در تحقیق حاضر به دنبال این مساله هستیم که: مفهوم فساد اقتصادی از منظر قرآن و روایات را مورد بررسی قرار داده و سپس نقشی که آموزه‌های دینی به عنوان عوامل درونی در کاهش بروز فسادهای اقتصادی می‌توانند داشته باشند را مورد بررسی قرار دهیم. به همین منظور با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به دنبال بررسی این فرضیه هستیم که « اولا، پیروی از آموزه‌های دینی باعث کاهش بروز فساد اقتصادی می‌شود. ثانیا، براساس آیات و روایات، اصلی ترین مسأله در امر پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی، احیای معنویات، اخلاقیّات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد اقتصادی است».

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری به منظور شناسایی و تعریف، یافتن علت‌ها و پیامدها و در نهایت تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با معضل فساد اقتصادی صورت گرفته است؛ هر یک از آن‌ها به بررسی زوایایی از بحث پرداخته‌اند اما کم‌تر به نگرش اسلامی در این خصوص پرداخته شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

لذا در موضوع فساد اقتصادی در قرآن و روایات تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است و موضوع حاضر یک موضوع با پیشینه محدود است اما برخی از تحقیقاتی که در زمینه فساد اقتصادی و مالی انجام شده است از قرار زیر می‌باشند:

محنت‌فر و شفیعی(۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن» شاخص فساد مالی در کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار داده و اوضاع کشور ایران نیز در بین این کشورها مورد تحقیق قرار گرفته است. در ادامه تحقیق به علل فساد در کشور، شکل‌های مختلف فساد، آثار ناشی از آن و روش‌های مبارزه با فساد پرداخته شده است. به علاوه دیدگاه‌های مختلف پیرامون فساد، تجربه کشورهای موفق در مبارزه با فساد و اندازه‌گیری شدت آن و پیشنهادهایی در راستای اصلاحات اقتصادی و برنامه ملی مبارزه با فساد نیز ذکر شده است.

دادگر و معصومی‌نیا (۱۳۸۶) در کتاب فساد مالی ابتدا به تعریف فساد مالی و ضرورت مبارزه با آن پرداخته‌اند. ایشان فساد مالی را به معنای سوء استفاده از مقام و موقعیت اجتماعی به منظور کسب منافع شخصی می‌دانند که به لحاظ جنبه‌های مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. این کتاب با رویکردی علمی به مطالعه این پدیده پرداخته است و به دنبال معنا و مصادیق فساد مالی و سپس یافتن علت بروز آن و تبیین راهکارهای مناسب علمی دینی جهت مقابله با آن است.

اشنایدر و درهر[1] (۲۰۰۶) در مقاله فساد و اقتصاد زیرزمینی(یک تحلیل تجربی) تاثیر اقتصاد زیرزمینی بر فساد و عکس آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. در این مقاله چنین فرض می‌شود که فساد و اقتصاد زیرزمینی در کشورهای پردرآمد جانشین هم می‌شوند در حالی‌که در کشورهای کم درآمد مکمل هم هستند. فرضیه‌ها در داده‌های مقطعی بین ۱۲۰ کشور و گروهی متشکل از ۷۰ کشور، در دوره‌ای از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ مورد آزمون قرار گرفتند و نتایج حاصله نشان داده‌اند که اقتصاد زیرزمینی، فساد را در کشورهای پردرآمد کاهش، ولی در کشورهای کم درآمد افزایش می‌دهد. در ضمن نتیجه شده است که قوانین سخت‌گیرانه‌تر، فساد و اقتصاد زیرزمینی را توأم با هم افزایش می‌دهد.

اعظمی مقدم(۱۳۹۰) در مقاله با عنوان«مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی» بر این مطالب تاکید می‌کند که عدم تعریف جرم اقتصادی و جرم‌انگاری مشخص آن یکی از اصلی‌ترین چالش‌های مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی است لذا به کلیه اعمالی که در اثر آن به فعالیت‌های تولید، توزیع و دست به دست شدن و از بین بردن کالا و خدمات زیان برساند را جرایم اقتصادی

1.schneider & dreher

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

گویند. جرایم اقتصادی آثار و پیامدهای متعدی دارند که بر اقتصاد و سیاست، اجتماع، نظام و... موثر هستند.

عزتی و کریمی(۱۳۹۳) در مقاله «طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی» به دنبال تدوین شاخص اندازه‌گیری فساد اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی- اسلامی هستند. در این مقاله روش تجزیه و تحلیل در تدوین شاخص‌های فساد اقتصادی، روش تحلیل منطقی با استفاده از روش تحلیل محتوا است. نوآوری‌های اصلی این مقاله عبارت است از: ارائه چند شاخص ایرانی- اسلامی برای سنجش فساد است که با فرهنگ و مقررات ایران منطبق باشد. دوم این‌که چند بعد فساد به صورت هم‌زمان اندازه‌گیری می‌شود و قدرت توضیح‌دهندگی وضعیت فساد افزایش می‌یابد. سوم این‌که یک شاخص ترکیبی از ابعاد مختلف فساد ارائه می‌شود که اعتبار بیشتری نسبت به شاخص‌های موجود دارد.

رحیمیان(۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن» سعی کرده است مسئله فساد و عوامل آن را مورد بررسی قرار دهد و همچنین پیامدهایی که فساد در پی خواهد داشت نیز مطرح نموده است. ضمنا بیان نموده است که از جمله مسائل مهمی که می‌بایست در برنامه‌ریزی شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد راه‌های مبارزه با این آفت جامعه و ریشه‌کن کردن آن است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد هر یک از آن‌ها به بررسی زوایایی از بحث پرداخته‌اند و کم‌تر به نگرش اسلامی که مورد توجه این تحقیق است، پرداخته‌اند. تحقیق حاضر به دنبال آن است که پس از تعریف فساد اقتصادی از منظر منابع دینی، به این نکته تاکید کند که فرامین اسلامی به نحوی است که اگر اجرا گردد فساد اقتصادی اصلا رخ نمی‌دهد به عبارت دیگر اهتمام اسلام در بحث پیشگیری از فساد اقتصادی نسبت به درمان آن بیشتر است.

۲. مفهوم شناسی فساد و مفاسد اقتصادی

برای این که مفهوم فساد اقتصادی بهتر تبیین شود ابتدا تعاریف مختلفی که از سوی اندیشمندان اقتصادی مطرح شده بررسی شده و سپس این مفهوم در منابع دینی مورد کاوش قرار می‌گیرد.

۲-۱- تعریف فساد اقتصادی در ادبیات اقتصادی

فساد اقتصادی در این پژوهش معادل اصطلاح Corruption در زبان انگلیسی می‌باشد که شامل مفاسد در حوزه امور اقتصادی اعم از مفاسد اداری، مالی، حسابداری، بانکی و.... است.

واژۀ «فساد» از ریشۀ «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» از ریشۀ لاتینی«corruptus»، به معنای فاسد شده، نابود شده و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

شکسته گرفته شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد معنای کلمه corrupt در زمینه علوم اجتماعی به معنای رشوه دادن، فاسد کردن، تحریف کردن و نقض کردن است و معنای کلمه corruption زوال اخلاق است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۷۸، ص۱۸۲- ۱۸۳).

تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد اقتصادی که تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده، عبارت است از: سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (World Bank, 1997, p. 102). به طور کلی می‌توان تعاریف متداول ارائه شده پیرامون فساد اقتصادی را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

۱- اکثر محققین و سازمان‌های بین‌المللی بویژه بانک جهانی (۲۰۰۰)[1]، کلیتگارد و همکاران (۲۰۰۰)[2]، پپیز (۲۰۰۵)[3]، پارک (۲۰۰۳)[4]، وان کلاورن (۱۹۸۹)[5]، هایدنهایمر (۱۹۸۹)[6]، لمبزدرف (۱۹۹۹)[7]، سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۰۳)، هانتینگتون (۱۹۸۹)، جانستون (۱۹۹۷)[8]، نای (۱۹۸۹)[9]، لانگ (۲۰۰۸)[10] فساد اقتصادی را در ساده‌ترین و معروف‌ترین تعریف، «سوء استفاده از قدرت عمومی برای سود شخصی» در نظر گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در این تعریف، هیچ‌جایی برای بخش خصوصی در نظر گرفته نشده است.

۲- برخی محققین و سازمان‌های بین‌المللی مثل برنامه عمران سازمان ملل (۱۹۹۸)[11] و گروه چند منظوره فساد شورای اروپا[12] واژه «فساد اقتصادی» را به عنوان مترادف «رشوه‌خواری» به منظور شامل شدن هر نوع رشوه که مطالبه شده یا پرداخت می‌گردد، به کار می‌برند. به عبارت دیگر، سایر مصادیق فساد اقتصادی را در این تعریف نادیده گرفته می‌شود.

1.World Bank
2.Klitgaard, et al
3.Pepys
4.Park
5.Van Klaveren
6.Heidenheimer
7.Lambsdorff
8.Johnston
9.Nye
10.Lange
11.UNDP
12.GMC

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳- عده‌ای از اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی، مثل اطلس (۱۹۸۷)[1]، برنامه عمران سازمان ملل (۱۹۹۸) نیز فساد اقتصادی را قوم و خویش‌پرستی، حمایت کردن از خود یا اطرافیان و دفاع از خود و دیگران تعبیر کرده‌اند با دقت در تعاریف موجود در سه مورد فوق، ملاحظه می‌گردد که همانند آن‌چه تانزی (۱۹۹۵)[2] تاکید دارد، سه انگیزه ۱- نفع شخصی مستقیم، ۲- دریافت رشوه نقدی یا غیرنقدی از شخص ثالث و ۳- کمک به دوستان و خویشاوندان به عنوان اساسی‌ترین ارکان تعاریف فساد اقتصادی تلقی می‌شوند.

۴- برخی از اندیشمندان و سازمان‌ها مثل هوپ(۲۰۰۰)[3]، ولفنسان(۲۰۰۰)[4]؛ کمیسیون آفریقا (۲۰۰۵)[5]؛ آناند، آشفورث و جاشی(۲۰۰۵)[6]؛ ویندسور(۲۰۰۴)[7]، بنفیلد(۱۹۷۵)، ویندسور(۲۰۰۴) [8]فساد)[8]فساد اقتصادی را از بعد اخلاقی و اجتماعی تعریف کرده و آن را به عنوان یک بیماری بین فرهنگی یا بازتاب یک شکست اخلاقی یا جدا شدن از هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده یا انحراف نامطلوب اجتماعی تلقی کرده‌اند که دستیابی به منافع شخصی غیرقانونی در آن‌ها مورد تاکید می‌باشد. درحالی که ممکن است به دلیل عادی شدن فساد اقتصادی، برخی از مصادیق آن در زمره هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده هم قرار گرفته باشند.

۵- برخی سازمان‌ها و اندیشمندان از قبیل کمیسیون مستقل ضد فساد(۱۹۹۸) و ماریا(۲۰۰۸)[9] فساد اقتصادی را انجام اعمال اداری به شکل ناقص و غیرصادقانه توسط مأموران دولتی می‌دانند. در حالی که فساد اقتصادی، ضرورتاً شامل عدم صداقت نیست، بلکه در اغلب موارد، انجام‌کاری هدفمند است، بصورتی که قانون آن را ممنوع کرده باشد.

۶- عده‌ای از اندیشمندان از قبیل آلپاسلان(۲۰۰۸)[10] نیز فساد اقتصادی را نتیجه انحصاری کردن و سوءاستفاده از قدرت توام با اقدام به تصمیم‌گیری بدون داشتن مسئولیت نسبت به انجام آن می‌دانند. سوء استفاده شامل به کار بردن استانداردهای غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد. این تعاریف و مترادف‌ها نشان می‌دهد که فساد افتصادی شامل انحراف از ارزش‌های اخلاقی است و معمولاً سؤالاتی در مورد اخلاقیات یا ارزش‌های فردی، گروهی و سازمانی که در فساد اقتصادی درگیر می‌شوند، به وجود می‌آورد. در مجموع، اغلب تعاریف ارائه شده از فساد اقتصادی به برخی جنبه‌های

1. Atlas
2. Tanzi
3. Hope
4. Wolfensohn
5. Commission on Africa
6. Anand, Jashi & Ashforth
7. Windsor
8. Banfield, Windsor
9. Independent Commission Against Corruption & Maria
10. Alpaslan & et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

فساد اشاره می‌کنند و جای‌خالی یک تعریف جامع و مناسب در ادبیات فساد اقتصادی وجود دارد(خدیوی، ۱۳۹۵، ص۱۳۵-۱۳۶).

۲-۲- تعریف فساد اقتصادی در اسلام

راغب در مفردات خود فساد را خروج هر چیز از اعتدال می‌داند چه این خارج شدن کم باشد چه زیاد و صلاح بر ضد آن خواهد بود(راغب، ۱۴۱۲ق، ۶۳۶) این معنای لغوی فساد است اما آن‌چه که در این‌جا مدنظر ما است معنای اصطلاحی و واژگان مترادف با فساد اقتصادی در فرهنگ اسلامی است.

اکبرنژاد و همکاران(۱۳۹۳) در مقاله با عنوان «بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث» با استفاده از مفهوم حکومت و دولت در اسلام فساد اداری از منظر اسلام را این‌گونه تعریف نموده‌اند: فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از جانب هرکسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌ای انجام گیرد؛ به گونه‌ای که در اهداف و عملکرد نهادهای دولتی اخلال ایجاد، و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند (اکبرنژاد،۱۳۹۳، ص۱۷۲).

اسماعیل پرور(۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان مبارزه با فقر و فساد در سیره نبوی مدعی شده است که «از دیدگاه قرآنی، فساد، دامنه گسترده‌ای دارد و هر نوع ستم، گناه، کج‌روی، هدردادن منابع و زیان رساندن به دیگران را در برمی‌گیرد. در این باره، در تفسیر نمونه آمده است: «تمام نابسامانی‌ها و همه افراط و تفریط‌ها، گونه‌ای از فساد است»(مکارم شیرازی،۱۳۷۴، ج۱۰، ص۲۰۱).

شرع مقدس تمامی آن چه را که در تمامی بخش‌های اقتصاد اعم از تخصیص منابع، تولید، توزیع، مصرف و سایر قسمت‌ها با مصالح واقعی جامعه اسلامی و افراد آن سازگار نیست موجب فساد دانسته و تحریم نموده است: نتیجه این‌که هرگونه فعالیتی که با احکام شرع منافات دارد موجب فساد است و باید با آن مبارزه شود (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص۱۳۹).

براساس آن‌چه بیان شد در اغلب پژوهش‌هایی که با رویکرد اسلامی به مفهوم فساد پرداخته‌اند اگرچه در حوزه اقتصاد بیان فرموده بودند اما اغلب مفهوم کلی فساد در اسلام را مورد بررسی قرار داده‌اند لذا در این‌جا برای این‌که مراد از فساد اقتصادی بهتر مشخص شود می‌توان تعریف زیر را ارائه نمود: با توجه به این‌که هدف‌غایی از نظام اقتصادی اسلام، ایجاد زمینه‌های اقتصادی زندگی گوارا برای همه (رفاه عمومی) است و زمینه‌های اقتصادی لازم برای رسیدن به این هدف عالی همان اهداف اقتصادی میانی می‌باشند. آن‌چه از منابع اسلامی به صورت اهداف میانی نظام اقتصادی می‌توان استنباط کرد، عبارتند از: عدالت، امنیت و بارور کردن استعدادهای طبیعت (رشد اقتصادی). در روایتی امام صادق(ع) اموری را که همهٔ مردم به آن نیاز دارند را چنین بیان می‌کنند: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَ الْعَدْلُ وَ الْخِصْبُ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص۳۲۰)؛ همهٔ مردم به سه چیز نیازمند هستند: امنیت، عدالت و سرسبزی (رشد اقتصادی).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بنابراین هر فعالیت اقتصادی که منجر به تأمین این اهداف شود اصلاح و هر فعالیتی که تحقق این اهداف نظام اقتصادی را مورد خدشه قرار دهد، افساد شمرده خواهد شد.

۳. وضعیت فساد اقتصادی ایران در مقایسه با سایر کشورها

براساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل در مورد فساد اداری و اقتصادی کشورهای مختلف را از لحاظ فساد اقتصادی رتبه‌بندی می‌کند. این گزارش به هر کشور نمره‌ای اختصاص می‌دهد که از نمره ۱۰۰ (به طور کلی فاقد فساد) تا صفر (کاملا فاسد) تغییر می‌کند. این گزارش در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که در میان ۱۷۷ کشور مورد بررسی، کشورهای دانمارک (نمره۹۱ از صد)، نیوزیلند، فنلاند، سوئد، نروژ، سنگاپور، سوئیس، هلند، استرالیا و کانادا رده‌های یک تا ده سالم‌ترین کشورهای جهان را در اختیار گرفتند. در مورد بدترین کشورهای جهان هم، براساس این گزارش، سومالی با نمره ۸ فاسدترین کشور جهان است و پس از آن کشورهای کره‌شمالی، افغانستان، سودان، سودان جنوبی، لیبی، ازبکستان، ترکمنستان و سوریه قرار گرفته‌اند.

در این رتبه‌بندی، ایران با کسب ۲۵ امتیاز، یکصد و چهل و چهارمین کشور از نظر فساد اقتصادی و اداری معرفی شده است که این رتبه در سال ۲۰۱۲ رده ۱۳۳ معرفی شده بوده است، بنابراین کشورمان در سال ۲۰۱۲ در این رده‌بندی تنزل داشته است.[۱] براساس این گزارش ایران در در سال ۲۰۱۵ در رده صد و سی ویکم قرار دارد و با کسب شاخص ۲۷ با کشورهایی چون اوکراین، کامرون، نپال، نیکاراگوئه و پاراگوئه در یک ردیف قرار گرفته است. امتیاز سال ۲۰۱۴ ایران نیز ۲۷ بوده و درسال ۲۰۱۳ رقم ۲۵ و در سال ۲۰۱۲ ایران دارای شاخص ۲۸ بوده است.[۲] همچنین براساس این گزارش در سال ۲۰۰۳ رتبه ایران بین ۱۳۴ کشور دنیا از لحاظ وضعیت فساد ۷۹ بوده است.[۳] (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۵)رتبه ایران از منظر شاخص فساد در جهان براساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی شفافیت در جدول زیر آمده است:

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
رتبه‌ایران	۹۳	۱۰۵	۱۳۱	۱۴۱	۱۶۸	۱۴۶	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۱

منبع: گزارش‌های سازمان بین‌المللی شفافیت (https://www.transparency.org/)

---

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳ آذر ۱۳۹۲، کدخبر: http://donya-e-eqtesad.com/3080

۲. سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۸ بهمن ۱۳۹۴، کد خبر ۴۴۷۲۹۱، http://www.asriran.com/fa/news/447291

۳. البته باید توجه شود وقتی وضعیت فساد در هر کشور در دو سال مقایسه می‌شود، می‌بایست به نمره یا شاخص آن کشور نیز توجه شود، زیرا رتبه‌بندی آن کشور لزوما به معنای بهتر و یا بدتر شدن وضعیت فساد در آن کشور نیست و تغییرات عدد شاخص نیز ممکن است به علت تغییر در نمونه‌گیری و روش انجام محاسبات باشد. زیرا ممکن است در هر سال منابع اطلاع جدیدی اضافه یا منابعی حذف شوند و یا برخی از پاسخ‌دهندگان تغییر کنند و نظرات متفاوتی ارائه دهند. (مرکز پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۸)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۴. علل پیدایش فساد اقتصادی

علت‌های زیادی را می‌توان در زمینه چرایی شیوع مفاسد مالی و اقتصادی در یک جامعه مشخص و تبیین نمود که اگر با تأمل و دقت کافی به این علل توجه شود، می‌توان آن‌ها را در پنج دسته کلی علل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی طبقه‌بندی کرد.

۴-۱- علل فردی

یکی از دلایل بروز فساد اقتصادی از سوی افراد جامعه را می‌توان ضعف ایمان و سست بودن باورهای دینی در هر یک از آن‌ها دانست. زیگمون فروید[1] و دیوید ریزمن[2] اشاره می‌کنند که انسان‌ها دارای یک نوع سیستم کنترل درونی هستند که مانع انجام کارهای نامشروع می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این عوامل پایبندی‌های مذهبی است که اگر در یک جامعه وجود داشته باشد مانع انحرافات می‌شود. تاثیر این سیستم کنترل درونی قوی‌تر از هر سیستم کنترل دیگر است. لذا عاملی که کارهای نامشروع را در یک جامعه تسهیل می‌کند تضعیف پایبندی‌های مذهبی و اخلاق مبتنی بر مذهب است (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص۳۲).

در قرآن کریم نیز، «فراموش کردن خداوند»(حشر: ۱۹) و «غفلت از روز جزا»(ص: ۲۶) از عوامل پیدایش فساد معرفی شده‌اند. بی‌شک، اگر انسان، خدای خویش را فراموش کند و از عذاب روز قیامت ترسی در دل نداشته باشد، به هر کار خلافی دست خواهد زد. بنابراین، ضعف ایمان و سست بودن باورهای دینی، نخستین و مهم‌ترین عامل مبتلا شدن انسان به فساد است.

۴-۲- علل اجتماعی

از جمله عوامل فساد که بیشتر جنبه اجتماعی دارد، انحراف خواص؛ یعنی دانشمندان، پادشاهان و دیگر عناصر قدرتمند و اثرگذار جامعه است. اگر دامن این گروه به فساد آلوده شود، هرگز نمی توان از عموم مردم آن جامعه انتظار سلامت نفس و پاک‌دامنی داشت (پرور، ۱۳۸۸، ص۵۵)؛ خداوند در قرآن‌کریم، هرگاه از سرنوشت قومی فاسد یاد می‌کند، به نقش برجسته بزرگان آن قوم، مانند فرعون، هامان، قارون، بلعم باعورا و سامری در انحراف قوم مورد نظر نیز اشاره می‌کند. در برخی آیات قرآن‌کریم تأکید شده است هرگاه پادشاهان وارد شهر و دیاری شوند، آن‌جا را به فساد و تباهی می‌کشانند(نمل:۳۴).

پیامبر اعظم (ص) در کلامی حکمت‌آمیز، صالح یا فاسد بودن افراد امت خود را با صلاح و فساد دو گروه مرتبط دانسته و فرموده است: اگر دو گروه از امت من صالح و درست کار باشند، همه امت

1. Freud
2. Riesman

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

من صالح می‌شوند و اگر آن‌ها فاسد باشند، همه امت من فاسد خواهند شد. آن دو گروه، دانشمندان و حاکمان هستند (صدوق، ۱۳۸۹ق، ص۳۷).

۳-۴- علل‌سیاسی

داشتن اختیارات زیاد، سوء استفاده از مقام و مسؤلیت، انتساب به احزاب سیاسی مطرح و حاکم کشور، فساد مدیران و مسئولان رده بالای کشور، عدم شفافیت در عملکرد مسئولان و پاسخگو نبودن در قبال جامعه و افکار عمومی و بسیاری علل دیگر را می‌توان در زمره علت‌ها و زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری عارضه فساد مالی و شیوع آن در یک جامعه ذکرکرد.

به نظر می‌رسد علل سیاسی شکل‌گیری مفاسد مالی را در یک مورد و آن هم مسئله انحصارگرایی سیاسی می‌توان خلاصه کرد، چرا که انحصار در قدرت و فساد لازم و ملزوم یکدیگرند و اگر انحصارات سیاسی و تصدی‌های نابجا در قدرت گسترده شود، خواسته‌های مشروع و منطقی قشرهای وسیع جامعه بدون پاسخ خواهد ماند و این امر آغاز ابتلاء جامعه به عارضه فساد مالی در سطح گسترده خواهد بود (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص۵۹-۶۰).

۴-۴- علل‌فرهنگی

اگر فرهنگ جامعه توجه و بیداری لازم را از دست بدهد، فساد مالی را موجب شده و آن نیز فرهنگ جامعه را مسخ خواهد کرد و اقدامات مهم در امر مبارزه با این پدیده را مبهم و مشکوک جلوه خواهد داد و اعتماد عمومی از بین خواهد رفت؛ در این صورت بازیابی اعتماد عمومی بسیار مشکل خواهد بود. حاکم شدن رویّه‌های غیررسمی و غیرقابل پیش‌بینی کُند و گران و نیز مستبدانه موجب شیوع فساد مالی خواهد بود (همان، ص۶۸).

از جمله عوامل دیگری که در علل فرهنگی می‌توان به آن اشاره کرد بحث جهل و نادانی و نیز بی‌تدبیری می‌باشد. در قرآن‌کریم بارها از این عامل یاد شده است و کافران و منافقان و افراد مفسد، انسان‌هایی جاهل و بی‌خبر از حقیقت معرفی شده‌اند (بقره:۱۳؛ انعام: ۱۰۰) به دلیل اهمیت و گستردگی دامنه جهل، یکی از وظایف اصلی پیامبران که مصلحان بزرگ تاریخ‌اند، آموزش و بالا بردن سطح دانش بشر بوده است (جمعه:۲)؛ پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: مَن عَمِلَ عَلَی غَیرِ علم کَانَ مَا یُفسدُ اکَثرَ مِمّا یُصلحُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱، ۴۴)؛ کسی که بدون علم و آگاهی عمل کند، بیش از آن‌که مایه اصلاح امور شود، فساد و تباهی به بار می‌آورد.

۵-۴- علل اقتصادی

علت‌های زیادی را می‌توان به عنوان علل اقتصادی فساد اقتصادی معرفی نمود که از جمله آن‌ها عبارتند از:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

الف. اقتصاد رانتی

اصولا فساد ریشه در فعالیت‌های دولتی دارد؛ به عبارت دیگر مجموعه فعالیت‌های تصدی‌گرایانه اقتصادی دولت در مواردی که با انحصار، قدرت و اختیارهای دولتی همراه باشد باعث اشاعه فساد می‌شود. شاید کوچک‌سازی حجم دولت به کاهش دامنه و عمق معضل فساد در جامعه بی‌انجامد اما مشکل اصلی در کمیت و میزان فعالیت‌های اقتصادی دولت نیست بلکه نحوه عملکرد و روش فعالیت‌های دولتی نیز بسیار حائز اهمیت است (قربانی و صدیق‌محمدی، ۱۳۸۷، ص۱۱).

در اقتصادی که دولت تنها انحصارگر و یا قدرتمندترین انحصارگر باشد و رقابت وجود نداشته باشد، کارکنان آن به راحتی می‌توانند به نفع خود و یا نزدیکان و دوستان خود سوء استفاده نمایند. در این‌صورت توان آن برای ایفای نقش مطلوب و اصلاحی کم خواهد شد: «در واقع می‌توان گفت که در این حالت شاهد خصوصی‌سازی دولت هستیم که در جریان آن قدرت دولت به بازار منتقل نمی‌شود، بلکه به کارکنان خود می‌رسد. این امر در نهایت به عملکرد بازار نیز لطمه می‌زند» (تانزی، ۱۳۷۸: ۱۸۴).

ب. پایین بودن سطح دستمزدها در بخش عمومی

یکی‌دیگر از مهم‌ترین علت‌های فساد اقتصادی، پایین بودن سطح دستمزدها در بخش عمومی (دولتی) است که باعث می‌شود افراد راه‌های غیرقانونی را در تأمین معاش خود طی کنند. تحقیقاتی انجام شده که نشان می‌دهد سطح حقوق و دستمزد در بخش دولتی تا چه حدی با میزان فساد مالی ارتباط دارد؛ بحث اصلی این تحقیقات آن است که پایین بودن سطح حقوق و دستمزد، مقامات، مدیران و مسئولان دولتی را مجبور می‌کند که درآمدهای خود را با انجام فعالیت‌های فاسدی مانند رشوه، اخاذی و اختلاس و سوء استفاده‌های مالی، کامل کرده و افزایش دهند. در یک نمونه آماری متشکل از ۲۸ کشور، این نتیجه حاصل شد که حقوق و دستمزد در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی دارای تأثیر فوق العاده منفی بر سطح فساد مالی است: «چنانچه دستمزدهای بخش عمومی دو برابر شود، شاخص فساد مالی با ضریب دو بهبود می‌یابد.» (رهبر، ۱۳۸۱، ص۵۵)

ج. تورم

برخی از تحقیقات نشان می‌دهد تورم و کاهش قدرت خرید مردم نیز می‌تواند یکی از عوامل بروز فساد مالی شود. در ایران نیز نتایج یک مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که بودجه دولت، تورم و متغیر مجازی جنگ از جمله متغیرهایی است که در افزایش فساد مالی مؤثر هستند (دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷، ص۱۲۶-۱۲۹)؛ افزایش بودجه دولت، باتوجه به دولتی بودن بخش اعظمی از فعالیت‌ها در کشور بطور چشمگیری باعث افزایش مفاسد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مالی و پرونده‌های اختلاس، ارتشاء و جعل شده است. تورم فزاینده نیز باعث ایجاد یک‌جو نااطمینانی شده و نرخ تنزیل را در رجحان یک کارمند افزایش می‌دهد و این مسئله باعث می‌شود که کارمندان برای حداکثر کردن مطلوبیت خود، نهایت سوء استفاده از امکانات و موقعیت‌های موجود را نمایند.

د. نفع‌طلبی ثروتمندان و گسترش اقتصاد زیرزمینی

لویتدکه و شوایتزر[1] (۱۹۹۳) براساس تحقیقات خود نشان داده‌اند که انسان‌ها براساس تئوری گزینش عقلانی(تصمیم‌گیری براساس منافع شخصی) تحت شرایطی که فردگرایی و نفع فردی گسترش یابد به فساد متمایل می‌شوند و در شرایطی که جمع‌گرایی حاکم شود از فساد حذر می‌کنند اما در شرایطی که فرد تحت تأثیر محرک‌های فردگرایانه و محرک‌های جمع‌گرایانه هر دو باشد به سوی محرک‌های فرد گرایانه و نفع شخصی و لذا فساد متمایل می‌گردد (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص۳۴).

استرک[2] (۱۹۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «دادن و گرفتن» بر این نظر است که فساد به طور حساب شده از جانب سرمایه‌داران و قدرتمندان اقتصادی در یک جامعه آغاز می‌گردد. آن‌ها در پی نفع هرچه بیشتر خود هستند و کوشش دارند از طرق مختلف و غیرقانونی به مواهب بیشتر دست یابند. استرک با استفاده از نظرات آقای بوسوین، این گونه انسان‌ها را انسان تطمیع‌کننده می‌نامد که در این فرآیند به تدریج یک جامعه‌ای به وجود می‌آید که در آن افراد مواهب اجتماعی (پست‌ها، منافع و ...) را فقط در اختیار اشخاص نزدیک به خود (اقوام، هم‌حزب و ...) می‌گذارند و موفقیت و دستیابی به مواهب و اهداف، تابع داشتن پارتی است اما این رفتار براساس نظر استرک مغایر مسیحیت است (همان، ص۳۶).

ه. فقر و نیازمندی

از بین تئوری‌هایی که در سطح کلان می‌توانند به تبیین فساد کمک کنند و علل آن را شناسایی کنند، تئوری امیل دورکیم و روبرت مرتون می‌باشد که هر دو وجوه اشتراکی با هم دارند. هر دو این تئوری‌ها بر پایه ۱- تولید نیاز ۲- عدم ارضاء نیاز بنا شده‌اند که موجب نارضایتی افراد و تمایل آن‌ها به کارهای خلاف، مثلا رشوه گرفتن و امثال آن می‌شود. نظرات دورکیم را می‌توان به صورت فشرده چنین بیان کرد: بحران‌های اقتصادی و یا رشد سریع اقتصادی باعث دستیابی عده‌ای به یک ثروت ناگهانی می‌شود. دستیابی به ثروت یک عده در واقع به قیمت فقر عده زیاد دیگر در جامعه است. فقرا با مشاهده وضعیت خوب ثروتمندان احساس نیاز بیشتر می‌کنند و در آن‌ها آرزوهایی به وجود

1. Luedtke & Schweitzer
2. Streck

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

می‌آید که قبل از آن نداشته بودند. بدین‌ترتیب فقر برای آن‌ها غیرقابل تحمل می‌شود. از آن‌جا که در این فرآیند هم‌زمان نظام ارزشی و هنجاری سنتی و معمول، به سرعت دگرگون می‌شوند، توجیهات معمول که موجب رضایت از وضعیت موجود و تحمل آن می‌شوند قدرت تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهند لذا در پی مشاهده فقر خود و ثروت دیگران تعادل افراد به هم می‌خورد و پذیرش این وضعیت برایشان دشوار می‌شود. بدین ترتیب آن‌ها از وضعیت موجود ناراضی می‌شوند و به کارهای خلاف روی می‌آورند (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص۲۶).

از آن‌جا که هسته اصلی همه نارضایتی‌ها پیدایش نیازها می‌باشد، این فرآیند در کارهای بعدی دانشمندان به صورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گرفت. در این فرآیند پیدایش نیازها چند متغیر دیگر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. وجود فقیر و ثروتمند و یا نابرابری برای به هم خوردن نظام یک جامعه کافی نیست. مهم آن است که آیا افراد فقیر جامعه می‌توانند وضعیت خوب ثروتمندان را مشاهده نمایند یا خیر. بنابراین «مشاهده ثروت» در کنار وجود فقر عامل موثر دیگر است،

۲. اساسا نظام سرمایه‌داری برای به کار انداختن چرخ‌های تولید و فروش محصولات خود باید در مردم نیاز تولید کند و این تولید نیاز از طریق «نمایش ثروت» است. فرآیندی که آقای دوزنبری[1] آن را تأثیر نمایشی[2] می‌نامد. این نمایش امروز علاوه بر قشر ثروتمند از طرق دیگر نظیر تبلیغات و یا مشاهدات تلویریون و ماهواره نیز انجام می‌گیرد و فرآیند تولید نیازها را تشدید می‌کند،

۳. استوفر[3] و مخصوصا آقای فستینگر[4] که نشان دادند انسان‌ها خود را فقط با عده خاصی مقایسه می‌کنند و نه با همه. به عبارت دیگر یک فقیر معمولا خود را با یک ثروتمند مقایسه نمی‌کند بلکه با افرادی که تقریبا مشابه وضعیت او یا کمی بهتر را دارند، مقایسه می‌کند. به همین ترتیب مرتون فرآیند آنومی را معطوف به قشری می‌کند که افراد در آن خود را با دیگران مقایسه می‌کنند،

۴. بعد از این مقایسه احساس «محرومیت نسبی»[5] به وجود می‌آید.

۵. از آن‌جا به بعد در او احساس نیاز به وجود می‌آید و او برای بهبود وضعیت خود تلاش می‌کند و اگر براساس تئوری مرتون راه‌های مشروع، مسدود و یا محدود باشند او راه‌های نیمه مشروع و بعدها کاملا نا مشروع را می‌پذیرد و آن را توجیه می‌کند (همان: ص۲۸-۳۱).

1. Duesenbarry
2. Demonstration Effect
3. Stoufer
4. Festinger
5. Relative Deprivation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

پیشوایان دین نیز به این نکته توجه کرده و از مسائلی چون «تنگدستی»، (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص۴۷)، (العسر یفسد الاخلاق)، «بیکاری دایمی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۷۴، ص۴۱۹) (اتصال الفراغ مفسده) به عنوان عوامل فساد یاد کرده‌اند.

و. بی‌عدالتی و تداول ثروت بین ثروتمندان

از جمله سفارشاتی که در آموزه‌های دینی برای داشتن جامعه‌ای سالم تاکید شده است، ایجاد قسط و عدالت در جامعه است. لذا ایجاد عدالت به عنوان مهم‌ترین هدف مأموریتی پیامبران در دستور کار قرارگرفته است (حدید:۲۵) تا شرایط به گونه‌ای تحقق یابد که اقتصاد در گردش آزاد و سالمی باشد و همگان از آسایش و اقتصاد مطلوب و مناسبی برخوردار شوند و این‌گونه نباشد برخی از افراد جامعه از ثروت و آسایش برخوردار شده و دیگران از آن محروم باشند (حشر:۷) از نظر قرآن هرگونه بی‌عدالتی عامل بدبختی و شقاوت انسان در دنیا و آخرت است؛ بنابراین، برپایی عدالت و قسط، می‌بایست با مدیریت قدرتمند (حدید:۲۵) و بهره‌گیری از حضور مستقیم توده‌های انسانی در دستور کار قرارگیرد. از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت، عدالت اقتصادی است؛ چرا که رعایت عدالت در امور اقتصادی و انصاف در این حوزه می‌تواند شرایط و بستر لازم و مناسب را برای رسیدن انسان و جامعه به سعادت دنیوی و اخروی فراهم آورد(اعراف:۸۵؛ هود:۸۵ - ۸۶؛ اسراء:۳۵). به هر حال، براساس آموزه‌های قرآنی، عدالت، بنیاد و پایه سلامت اقتصادی و بستر رسیدن انسان و جامعه به سعادت دنیوی و اخروی یعنی امنیت و آرامش و آسایش است.

همان‌گونه که سلامت اقتصادی در جامعه مرهون عدالت از جمله عدالت اقتصادی است، از سوی دیگر بی‌عدالتی و ظلم، مهم‌ترین عامل مفاسد اقتصادی می‌باشد. بنابراین، ریشه مفاسد اقتصادی را می‌بایست در بی‌عدالتی و ظلم افراد جامعه یا خود جامعه جست.

براساس آیه ۷ سوره حشر می‌توان دریافت که گردش سالم اقتصادی و بهره‌مندی همگان از ثروت و مواهب الهی مهم‌ترین هدف از عدالت اقتصادی و برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی اسلام است؛ چرا که اعمال قوانین خاص چون مساله «انفال» و «فیء»، به این قصد و نیت انجام می‌گیرد که از انباشت ثروت و همچنین گردش ثروت در میان بخشی از افراد جامعه که از آنان به ثروتمندان و اغنیاء یاد می‌شود، جلوگیری شود. پس جریان سالم اقتصادی که مبتنی برعدالت است، جریانی است که از هرگونه فساد در بهره‌مندی افراد انسانی جلوگیری می‌کند؛ بنابراین، هرگونه محدودیت یا اختلال یا نقص در گردش ثروت در میان توده‌های انسانی، به معنای فساد شناخته شده و با آن مقابله می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

از این رو خداوند همان‌گونه که با اقتصاد ربوی یا احتکار یا اتراف یا اسراف مقابله می‌کند، با انباشت ثروت در بخشی از جامعه نیز مقابله می‌کند؛ زیرا همه این‌ها از مصادیق مفاسد اقتصادی است که اجازه بهره‌مندی به توده‌های مردم را نمی‌دهد و یا بخشی از افراد را محروم می‌سازد.

برهمین اساس، مبارزه با مفاسد اقتصادی در دستور کار پیامبران و مدیران جامعه اسلامی قرار گرفته است؛ (بقره: ۱۸۸ و ۲۷۸ و ۲۷۹؛ آل عمران:۱۳۰؛ نساء:۲۹؛ انعام:۱۵۲) در اسلام با هرگونه کم‌فروشی یا گران‌فروشی (اسراء:۳۵؛ شعرا:۱۷۷و ۱۸۱ تا ۱۸۳)، غصب اموال و تصرف بیرون از دایره مالکیت و رضایت (بقره:۱۸۸؛ نساء:۲۹)، ربا (آل عمران:۱۳۰) و مانند آن به عنوان فساد اقتصادی مقابله می‌شود؛ زیرا این گونه رفتارهای اقتصادی مهم‌ترین مانع بهره‌مندی همگانی از مواهب الهی و قرارگرفتن در مسیر کمالی است. در همه این موارد می‌توان ریشه فساد را در همان عدالت گریزی جست‌وجو کرد؛ عدالت‌گریزان، قانون گریزان ماهری نیز هستند؛ زیرا قانون مبتنی براصول عقلایی و شرعی اجازه می‌دهد تا هر کسی در هر موقعیتی بتواند از زندگی به شکل طبیعی بهره‌مند شود؛ اما قانون گریزان، می‌خواهند تا با تغییر موقعیت خود در جامعه برخلاف قانون، ثروت را برای خود محدود سازند و دیگران را از حق طبیعی‌شان محروم سازند. از نظر اسلام و قرآن، چون هدف، گردش سالم اقتصادی در همه جامعه است، هرگونه رفتاری برخلاف این اصل به عنوان فساد اقتصادی شناسایی و با آن مقابله می‌شود. از این رو حتی با کنز ثروت برخورد می‌شود؛ زیرا ثروت اندوزی نه تنها مانع از گردش سالم اقتصاد در جامعه می‌شود بلکه مانع جدی در سر راه رشد شخص می‌شود و او را گرفتار اتراف و اسراف می‌کند. خداوند در آیاتی از جمله ۳۴ و ۳۵ سوره توبه و نیز آیه ۷ سوره حشر، برلزوم مقابله با پدیده نادرست ثروت اندوزی تاکید می‌کند. البته مراد از ثروت اندوزی در این‌جا ثروت اندوزی‌ای است که مانع سلامت اقتصادی و خروج از دایره عدالت و اتراف و اسراف و مانند آن می‌شود.

۵- راه‌های پیشگیری از فساد اقتصادی

مبارزه با فساد، بسیار لازم و ضروری است و در صورت بی‌توجهی به این مسئله، روزبه‌روز بر عمق و دامنه آن افزوده می‌شود. این امر مهم، به برنامه‌ریزی و راهکارهای مناسب نیاز دارد. از آن‌جا که ما در همه زمینه‌ها باید پیرو مکتب پیامبران الهی باشیم و راه‌حل مشکلات فردی و اجتماعی خود را در کلام و مرام آن‌ها بیابیم، بهترین و کامل‌ترین الگوهای مبارزه با فساد را نیز باید در سیره و سنت آنان، به ویژه پیامبر اعظم (ص) جست وجو کنیم. برخی راهکارهای مناسب برای پیشگیری از فساد اقتصادی که در منابع دینی به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱-۵- آگاه‌سازی

اطلاع‌رسانی دقیق، درست و کامل، نخستین و مهم‌ترین راهکار مقابله با فساد است. هدف اصلی در این راهکار، زدودن نادانی‌ها و بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر افراد مفسد و تبه کار است؛ زیرا تا وقتی فرد از حرمت کاری آگاه نباشد، برخورد با او به دلیل انجام دادن آن کار درست نیست (پرور، ۱۳۸۸: ۸۰).

آگاه‌سازی و آموزش آموزه‌های دین، به عنوان اصلی کلی و زیربنایی، همواره مورد توجه رسول خدا (ص) بود. نقل است روزی عربی بیابانی وارد مسجد پیامبر شد و گوشه‌ای از مسجد را به نجاست آلوده کرد. نمازگزاران به سوی وی هجوم بردند تا او را ادب کنند، ولی رسول خدا (ص) آنان را از این کار بازداشت و فرمود: «عَلِّمُوا وَ یَسِّروا وَ لا تُعَسِّروا (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۶۸)؛ آموزش دهید و آسان بگیرید و سختی در دین روا مدارید».

اصل «آگاه سازی»، از نخستین سال‌های زندگی هر فرد باید به دقت اجرا شود؛ یعنی کودکان نیز از همان دوران کودکی باید احکام و آموزه‌های دین را بیاموزند. در این باره نقل شده است روزی پیامبراکرم (ص) به چند کودک نگریست و فرمود: «وای به حال فرزندان آخرالزمان، از روش ناپسند پدران آنان» سؤال شد: ای رسول خدا ! آیا از روش ناپسند پدران مشرک آن‌ها؟ حضرت فرمود: «نه، از پدران مؤمن که به فرزندان خود چیزی از احکام دین نمی‌آموزند و اگر خود آن کودکان هم به دنبال فراگیری این مسائل بروند، پدرانشان آن‌ها را منع می‌کنند و به درآمد ناچیزی از سوی آن‌ها قناعت می‌کنند. همانا من از چنین مردمی بیزارم و آنان نیز از من بیزارند» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج۱۵، ص۱۶۴).

۲-۵- تزکیه نفس

راهکار دیگر برای مقابله با فساد، «تزکیه نفس» است. تزکیه نفس، به معنای اصلاح جان و روان انسان و پاک‌سازی آن از علایق بیهوده دنیوی است. اهمیت این راهکار به این دلیل است که در بسیاری از موارد، دلیل آلوده شدن فرد به فساد، ناآگاهی نیست، بلکه میل به برخی امور ناشایست، سبب انحراف او از راه حق می‌شود. در قرآن‌کریم، تهذیب و تزکیه افراد، یکی از هدف‌های رسالت پیامبراکرم (ص) و در کنار تعلیم و تربیت و بلکه مقدّم بر آن معرفی و به آن توجهی ویژه شده است(جمعه:۲). در احادیث و روایات نیز از نقش اثرگذار گرایش‌های باطل در پیدایش گناه و فساد سخن به میان آمده و بر ضرورت مبارزه با آن‌ها تأکید شده است؛ برای مثال، رسول خدا(ص) درباره نقش محبت دنیا در گمراهی انسان‌ها می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنیا رأسُ کُلِّ خَطیئهٍ؛ دنیادوستی، سرچشمه همه گناهان است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۱۳۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

محبت دنیا در قالب میل و علاقه بـه لـذت‌هـای گونـاگون مـادی و در امـوری چـون پـول‌پرسـتی، ریاست‌طلبی، شکم‌بارگی، تنبلی و پرخوابی ظاهر می‌شود و مردم را به فساد و تباهی مـی‌کشـاند. از این‌رو، رسول خدا (ص) همواره درباره گرفتار شدن در این دام‌ها به مسلمانان هشدار می داد. ایشان درباره پول‌پرستی و میل به گردآوری ثروت از راه‌های نامشروع می‌فرماید: اَلدّینارُ والدِّرْهَمُ اَهْلَکا مَـن کانَ قَبْلَکُم وَ هُما مُهلِکاکُم (همان، ج۲، ص۳۱۶). دینـار و درهـم، انسـان‌هـای پـیش از شـما را بـه هلاکت رساند و با شما نیز چنین خواهدکرد.

در همه افراد، زمینه پیدایش خواسته‌های باطل وجود دارد و نفس اماره، همواره آن‌ها را به بدی فرا می‌خواند. بنابراین، برای رسیدن به رستگاری و سعادت، چـاره‌ای جـز تزکیـه و تهـذیب نفـس و مبارزه با هواهای نفسانی نیست.

۳-۵- جلوگیری از پیدایش زمینه‌های فساد

از دیگر راهکارها برای پیشگیری از فساد، «مانع‌سازی» است. مانع‌سازی، بـه معنـای محـدود کـردن زمینه‌های پیدایش فساد است. در این مرحله برای به حداقل رساندن امکان پیدایش فسـاد، بایـد در برابر هر نوع خلافی مانعی ایجاد کرد. با پیگیری این راهکار می‌توان امیدوار بود که مفاسد اقتصـادی در جامعه به شدت کاهش یابد. اگرچه این روش، فساد را به طور کامـل ریشـه کـن نمـی‌سـازد، در مقابله با فساد بسیار مؤثر است.

۱. تمهیدات لازم برای پیشگیری از فساد در معاملات

مانع‌سازی ممکن است شکل بسیار ساده‌ای داشته باشد؛ برای مثال، در برنامه‌های اقتصـادی اسـلام آمده است هرگاه پول یا جنسی را به کسی قرض دادید، برای این کار شـاهد بگیریـد یـا از بـدهکار مدرک بخواهید. این کارِ به ظاهر ساده، نوعی پیشگیری از پیدایش مشکلاتی است که ممکـن اسـت در این زمینه پدید آید.

آیه تداین آیه ۲۸۲ سوره بقره از قرآن است. به این آیه، آیه دَین، تداین یا مداینـه و قـرض نیـز می‌گویند. این آیه طولانی‌ترین متن را در بین آیات قرآن داراست و راجع به لزوم کتابت سند بـرای وام می‌باشد. تداین به معنی سلم معامله سلف، پیش‌خرید و پـیش‌فـروش یـا نسـیه یـا اجـاره و هـر معامله‌ای که یکی از عوضین آن مـدت‌دار باشـد. ایـن آیـه اصـول و روش انجـام قراردادهـا و دیـون مدت‌دار را از نظر قرآن تبیین می‌نماید. احکام دقیقی که در این آیـه در مـورد تنظـیم سـند، بـرای معاملات ذکر شده است، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، در طولانی‌تـرین آیـه قـرآن مجیـد، بیانگر توجه عمیقی است که قرآن، نسبت به امور اقتصادی مسلمین و نظم کار آن‌ها دارد، مخصوصا با توجه به این‌که این کتاب آسمانی در جامعه عقب مانده‌ای نازل گشت که حتـی سـواد خوانـدن و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

نوشتن در آن، بسیار کم بود و حتی آورنده این قرآن، درسی نخوانده بود و به مکتب نرفته بود، و این خود دلیلی است بر عظمت قرآن از یک سو، و اهمیت نظام اقتصادی مسلمین از سوی دیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۳۹۰).

۲. نظارت دقیق

در منابع دینی دستورات روشن و رهنمودهای زیادی در مورد نظارت وجود دارد که با عمل با آن‌ها می‌توان با فساد مالی مبارزه نمود. نظام نظارتی که می‌توان از منابع دینی استخراج کرد که دارای این بخشهاست:

الف) نظارت هر فرد بر اعمال خود،

ب) نظارت عمومی،

ج)نظارت دولت اسلامی.

(الف) نظارت هر فرد بر اعمال خود: این در حقیقت برمی‌گردد به همان راهبرد اوّل که عبارت بود از تزکیه نفس. هر فرد مومن باید خدا را ناظر بر اعمال خود ببیند: وَ قُلِ اعْمَلُوا فسیری اللهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهَ وَ المُؤمِنُونَ وَ سَتُرَدّوُنَ اِلی عالِمِ ألغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ فَیُنَبِئُکُمْ بِما کُنْتُم تَعْمَلُونَ (توبه: ۱۰۵)؛ بگو که هر عملی می‌خواهید انجام دهید (ولی بدانید) خداوند و رسول و مومنان (مراد اومه علیهم السلام هستند) آن را می‌بینند و به زودی به سوی خدایی که نسبت به عوالم غیب و شهادت عالم است باز خواهید گشت و او به شما خبر خواهد داد که چه می‌کردید. یا: اَلَمْ یعلم بانّ الله یری (علق: ۱۴) آیا این انسان نمی‌داند که خداوند او را می بیند؟ یکی از اهداف اصلی انبیاء الهی این بوده که انسان‌ها را تزکیه کنند. انسان تزکیه شده دائماً مراقب خود است. انسانی که موعظه‌گر درونی نداشته باشد موعظه دیگران در او تاثیری ندارد. خود کنترلی بهترین و کامل‌ترین مکانیزم برای کنترل افراد است.

(ب) نظارت همگانی: جامعه اسلامی مطلوب جامعه‌ای نیست که هرکس به دنبال کار خود باشد و به دیگران کاری نداشته باشد، بلکه تک‌تک افراد در قبال یکدیگر و در برابر مسئولان حکومتی مسئولیت‌های زیادی دارند. قرآن‌کریم این مسئولیت را گوشزد فرموده است: وَ الْمُؤمِنُونَ وَ الْمُؤمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیاءُ بَعْض یَأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ (توبه: ۷۱)... بعضی از مردان مومن و زنان مومن بر یکدیگر ولایت دارند، آن‌ها را به معروف امر می کنند و از منکر نهی می‌نمایند.براساس آموزه‌های مسلم قرآنی هیچ کس بر دیگران ولایت ندارد مگر این که خداوند که ولی حقیقی همه انسان‌ها است این حق را به آنان واگذار نماید. در این آیه خداوند اجازه داده که هنگامی که معروفی ترک شد یا منکری انجام شد دیگران اعمال ولایت نمایند و دستور به انجام معروف و ترک منکر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بدهند. بنابراین همه مردم موظفند مفاسد یاد شده را شناسایی کنند و در صورت امکان خود با آن برخورد نمایند و در مواردی که دخالت آحاد موجب هرج و مرج می‌شود از دولت اسلامی بخواهند با آن مقابله نماید.

ج) نظارت دولت: یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی نظارت بر عملکرد مسئولان حکومتی است. دولت اسلامی همچنین وظیفه دارد برعملکرد تمامی عاملان بخش‌خصوصی نظارت نماید. پیامبر اکرم (ص) شخصاً به بازار می‌رفتند و تخلفات مردم را به آنان گوشزد می‌کردند. حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود با وجود گرفتاری‌های زیاد، نظارت دقیقی بررفتار اقتصادی مردم در بازار داشتند. مثلا در ابتدای صبح که مردم سرکار خود حاضر می‌شدند به تک‌تک بازارها می‌رفته، آنان را با صدای بلند نصیحت می‌کردند. مردم در این هنگام دست از کار کشیده به سخنان ایشان گوش می‌دادند. امام می‌گفتند: «ای گروه تجار از خدای بزرگ و عزیز بترسید. از قسم خوردن بپرهیزید، دروغ نگوئید، ظلم نکنید، با مظلومان به انصاف رفتار کنید، به ربا نزدیک نشوید، حق کیل و وزن را وفا کنید، اجناس مردم را کمتر از آن چه هست بر ندارید و در زمین فساد نکنید» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۶) آن گاه گریه شدیدی می‌کرد.

بنابراین دولت اسلامی وظایف مهمی را در این زمینه به عهده دارد. علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر برخی از این موارد را یادآور شده است(سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳).

خود حضرت برعملکرد مسئولین حکومتی نظارت دقیقی داشتند و هرگاه فسادی از آنان سر می‌زد به آنان گوشزد می‌فرمودند. مثلا:

۱. شریح قاضی که قاضی حضرت بود خانه‌ای را به هشتاد دینار خریده بود گزارش این کار او به حضرت رسید. امام (ع) به او خشمگینانه نگاه کردند و طی بیاناتی او را توبیخ کردند (همان، نامه۳).

۲. حضرت برای زیاد بن ابیه هنگامی که قائم مقام عبدالله بن‌عباس در بصره بود نامه‌ای نوشتند: من به خدا صادقانه قسم می‌خورم که اگر به من خبر رسد که تو در بیت‌المال مسلمانان چیز کوچک یا بزرگی را خیانت کرده‌ای آن چنان بر تو سخت می‌گیرم که تو را سبک و ذلیل و خوار بگرداند (کنایه از این است که تو را از مقامت برکنار کرده اموال بیت‌المال را به گونه‌ای از تو می‌گیرم که به گدایی بیفتی (همان، نامه۲۰).

۳. در مقابل مَصْقَلَةُ بن هُبَيْرَةُ که یکی از عاملان حضرت بود و اموالی را بین اقوامش تقسیم کرده بود عکس‌العمل شدید نشان دادند و نامه‌ای را برای وی نوشتند و تذکرات لازم را به او دادید (همان، نامه۴۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳. انتخاب افراد متعهد و متخصص برای اداره کشور

برای پیشگیری از فساد باید حتماً مدیران عادل و باتدبیر متصدی امور شوند. متصدیان هم باید از قدرت مدیریت بالا برخوردار باشند و هم در فراز و نشیب امتحان طهارت و آلوده نشدن خود به زرق و برق دنیا را داده باشند. تصدی امور در نظام اسلامی مسئولیت است نه فرصت، همان‌گونه که در نامه امیرالمؤمنین (ع) به یکی از عاملانش آمده است: این سمتی که در دست تو قرار گرفته طعمه لذیذی نیست که از آن بهره ببری بلکه امانتی است در گردن و تو باید پاسخگوی مافوق خود باشی (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵).

در نامه حضرت به مالک نیز آمده است: سپس در امور کارگزاران خود بیندیش و آن‌ها را پس از آزمودن به کار بگمار، هرگز آن‌ها را به میل خود و برای کمک به آنان بدون مشورت به کاری مگمار، زیرا در غیر این صورت مرتکب ظلم و خیانت شده‌ای. آنان را از میان صاحبان تجربه و حیا و از خاندان‌های شایسته و از راسخ قدمان در اسلام انتخاب کن زیرا آنان اخلاقی کریمانه‌تر از دیگران دارند و از آبرو و وجهه اجتماعی بهتری برخوردارند. آن‌ها کم‌تر در دام طمع گرفتار می‌شوند و بیشتر در پیامدهای تصمیماتشان می‌اندیشند (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳). بعد از آن نیز دو سفارش به مالک فرموده است:

۱. به اندازه کافی به آنان حقوق بده که هم موجب پاک ماندن آن‌ها از ارتکاب مفاسد می‌شود و هم نیازی ندارند اموال مردم را به خود اختصاص دهند و هم دیگر بهانه‌ای برای تخلف از ماموریت‌ها و ارتکاب تخلفات ندارند.

۲. مرتباً کارهای آن‌ها را رصد کن و جاسوسانی صادق و با وفا بر آنان بگمار از ادامه سخنان حضرت استفاده می‌شود که در صورتی که گزارش از تخلفات مسئولین به تو رسید در ابتدا به آنان تذکر بده و اگر خیانت کردند باید مجازاتشان کنی و در صورت لزوم آبروی آن‌ها را ببری تا درسی باشد برای دیگران (همان).

این امور در زمان ما اهمیت بیشتری دارند زیرا روابط اقتصادی بسیار پیچیده شده است و در همه امور امکان استفاده سوء توسط مدیران فراهم است، مثلا در خریدهایی که توسط دولت چه از بازار خارجی و چه از بازار داخلی صورت می‌گیرد امکان گرفتن پورسانت‌های کلانی وجود دارد یا تصمیماتی که توسط عاملان اقتصادی گرفته می‌شود و تاثیر زیادی روی افزایش یا کاهش قیمت‌ها در سطح کلان اقتصاد یا در بخش‌های خاص دارد می‌تواند توسط مسئولان نالایق مورد سوء استفاده واقع شود. برای مبارزه با فساد راهی جز توجه به صلاحیت مدیران و مسولین اقتصادی و نظارت دائمی بر رفتارهای آنان که در تعلیم علوی (ع) به آن تصریح شد وجود ندارد (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص۱۷۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۴. کاهش دادن فقر و نابرابری در جامعه

محققان در تحقیقات خود دریافته‌اند که نابرابری فاحش در حقوق و دستمزد کارکنان و مدیران سبب افزایش فساد مالی می‌شود. مثلا اسر لایندبک[1] معتقد است که کم بودن میزان فساد مالی در سوئد تا حدودی به این دلیل است که حقوق مدیران و مقامات بلندپایه، ۱۲ تا ۱۵ برابر میانگین حقوق کارگران صنعتی است (قربانی و صدیق‌محمدی، ۱۳۸۷).

در عهدنامه علوی به مالک اشتر نیز در خصوص رسیدگی به حال نیازمندان خیلی تأکید شده است. خود حضرت با آن همه گرفتاری‌های تحمیلی از سوی ناکثین و قاسطین و مارقین و با وجود بی‌تفاوتی متمکنین در قبال طبقات پائین که در کلام حضرت مشاهده کردیم، به‌گونه‌ای عمل کردند که زندگی قابل قبولی برای همه در کوفه فراهم شده بود: «درکوفه هیچ کس باقی نمانده مگر این که در نعمت به سر می‌برد، پائین‌ترین آنان از گندم می‌خورد (در آن زمان برخورداری از گندم از یک قوت مناسب محسوب می‌شد) و در سایه می‌نشیند (مسکن مناسب دارد) و از آب گوارا می‌آشامد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۰، ص۳۲۷)؛ پس هنگامی که فقر ریشه کن شود زمینه بروز بسیاری از مفاسد خود به خود از بین خواهد رفت.

۴-۵- راه‌های مبارزه با فساد اقتصادی

در هر جامعه سالمی که در آن حتی احتمال فساد وجود ندارد یا کم است و به ظاهر در آن‌جا نیاز به کنترل بیرونی نمی‌باشد، باید در عین‌حال یک هوشیاری کامل و یک سیستم کنترل بیرونی قوی وجود داشته باشد تا کسی حتی خیال کار خلاف به سرش نزند. براساس تئوری اتکینسون[2] (۱۹۶۴) وقتی یک شخص به یک عمل خلاف مانند رشوه دست می‌زند که: ارزش به دست آوردن آن پول برایش زیاد و انتظار دستگیریش کم و انتظار موفقیتش زیاد باشد. بر این اساس سیستم کنترل بیرونی باید دارای دو خصوصیت باشد: اولا احتمال کشف کار خلاف، یعنی حضور سیستماتیک نیروهای کنترل کننده باید بسیار زیاد باشد به طوری که شخص خاطی بداند که به احتمال بسیار زیاد مجازات خواهد شد. ثانیا میزان مجازات برای یک کار خلاف باید بسیار سنگین باشد تا برای شخص خاطی بسیار پرهزینه و پرضرر تلقی شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص۳۲-۳۳).

آخرین راهکار جامع مبارزه با فساد، برخورد عملی با مفسدان است. این مرحله از مهم‌ترین ارکان مبارزه با فساد به شمار می‌رود و در هیچ شرایطی نمی‌توان آن را تعطیل یا حذف کرد، بلکه این راهکار را باید مکمّل و متمّم دیگر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانست؛ از این رو، اگر مسئولان مبارزه با فساد، از این راهکار غافل شوند، دیگر راهکارها بی‌نتیجه خواهد ماند.

1. Lindbeck, Assar.
2. Atkinson

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تنبیه و مجازات، به ظاهر، تلخ و دردناک است، ولی چون با هدف اصلاح و تعالی جامعه صورت می‌گیرد، سازنده و نتیجه آن، شیرین است و آثار مثبت فراوانی در پی‌دارد. بر همین اساس، آن‌گاه که خداوند در قرآن‌کریم از قصاص و مجازات مجرمان سخن می‌گوید، از آن به عنوان امری حیات بخش یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَ لَکُم فِی القِصاص حَیاةٌ یا اُولی الالباب؛ و برای شما در قصاص و مجازات مجرمان، حیات و زندگی [دوباره‌ای] است، ای خردمندان!» (بقره: ۱۷۹) بنابراین، فلسفه تنبیه و مجازات مجرمان، حفظ سلامت اجتماع و آسایش و امنیت عمومی است.

در سیره پیامبر اعظم (ص)، موارد بسیاری از تنبیه و مجازات نقل شده است. در همه این موارد، آن حضرت با شدت و قاطعیت عمل کرده است. در تاریخ آمده است در فتح مکه، زنی از اشراف قریش از قبیله بنی مخزوم دزدی کرد. وقتی جرم وی اثبات شد، رسول خدا (ص) فرمان قطع دست او را صادر کرد. پس از صدور این حکم، افراد مختلفی به وساطت آمدند تا آن حضرت را از مجازات آن زن منصرف کنند. سخن بیشتر واسطه ها این بود که دزد از قبیله‌ای سرشناس و محترم است و مجازات او، مایه شرمساری آن قبیله می‌شود. رسول خدا (ص) در پاسخ فرمود: «محال است که قانون اسلام تعطیل شود. اگر این زن از یک قبیله گم نام بود، همه شما می‌گفتید او دزد است و باید مجازات شود». سپس رسول خدا (ص) در میان مردم حاضر شد و در یک سخنرانی فرمود: اقوام و ملت‌های گذشته بدان دلیل سقوط کردند و منقرض شدند که در اجرای قانون خدا تبعیض قائل می‌شدند. یعنی هرگاه یکی از قدرتمندان جرمی مرتکب می‌شد، او را می‌بخشیدند و اگر ضعیف و زیردست بود، مجازات می‌شد. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست! در اجرای عدالت درباره هیچ‌کس سستی نمی‌کنم، هرچند از خویشاوندان خودم باشد. حتی اگر فاطمه دختر محمد نیز دزدی کند، دست او را قطع خواهم کرد (بخاری، بی‌تا، ج۵، ص۱۵۲).

برخی از مواردی که در خصوص مجازات متخلفین در سیره حضرت امیر (ع) آمده است عبارتند از:

۱. در استیعاب آمده است: حضرت کسی را به مقامی منصوب نمی‌کردند مگر این که اهل دیانت و امانت‌داری باشد و هنگامی که از یکی از آن‌ها خیانتی به حضرت گزارش می‌شد فوراً به او نامه می نوشتند و او را ابتدا نصیحت می‌کردند و سپس می‌فرمودند: هنگامی که نامه من به تو رسید به کارت ادامه بده تا وقتی که کسی را به جای تو تعیین کنم و سپس دست مبارک خود را به آسمان بلند کرده به درگاه الهی عرضی می‌داشتند: خداوندا تو می‌دانی که من به آن‌ها دستور ظلم به مخلوقاتت را نداده‌ام و به آن‌ها نگفته‌ام حقی را ترک کنند(محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱ق، ج۴، ص۱۵۱)؛ بنابراین برکنار کردن آن مقام اقدامی حتمی بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۲. اشعث بن قیس استاندار آذربایجان بود. به حضرت گزارش رسید که صاحب صد هزار درهم شده است. حضرت او را احضار کردند و به او فرمودند باید آن را به بیت‌المال برگردانی اشعث گفت: من در زمان عثمان آن را به دست آورده‌ام. حضرت فرمودند: به خدا سوگند اگر آن را به بیت‌المال برنگردانی با همین شمشیر تو را می‌زنم که هر بلایی می‌خواهد به سرت بیاورد.

۳. به حضرت خبر رسید که ابن‌هرمه که مامور بود در بازار اهواز مرتکب فساد مالی شده است. حضرت به رفاعه نوشتند و فرمودند: وی را بر کنار کن و در برابر مردم او را نگهدار سپس او را به زندان بیفکن و این حکم را به همه عاملان حکومتی و مردم اعلام کن. در این راه گرفتار هیچ غفلتی مشو و تفریط مکن والّا نزد خداوند هلاک خواهی شد و خودت را نیز عزل خواهم نمود. روز جمعه او را از زندان بیرون بیاور و ۳۵ ضربه شلاق بزن و او را در بازارها بگردان. از هرکسی مالی غصب نموده و شاهد اقامه کرد مال او را از ابن هرمه بگیر و به او برگردان و او را با حالت ذلت به زندان برگردان.

امام علی (ع) در راه انجام این مهم با موانع بسیار زیادی مواجه بودند که برخی از این موانع در کتب تاریخی آمده است و برخی نیز از زبان خود حضرت نقل شده (ر ک به: محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱ق: ۴، ۱۲۲-۱۲۵) و بسیاری از اقداماتی که در نظر ایشان بود در اثر این موانع انجام نشد، اما تا آن‌جا که امکان داشت اموال رفته را باز گرداندند و خاطیان را تنبیه نمودند.

نتیجه‌گیری

توجه به فساد در سه دهه اخیر و در مقیاس جهانی، به صورت چشمگیری افزایش داشته است. از دیدگاه تمامی ادیان توحیدی و از دیدگاه همه حکومت‌ها، حداقل در سطح شعار و تبلیغات، فساد اقتصادی به عنوان یک پدیده مذموم در نظر گرفته شده است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی تبدیل شده است. دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی، گوناگون است. این پدیده در دنیای امروز و به ویژه در کشورهای درحال توسعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه، مطرح شده و صدمات جبران‌ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده است. براساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل در مورد فساد اداری و اقتصادی که کشورهای مختلف را از لحاظ فساد اقتصادی رتبه‌بندی می‌کند نیز ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. بررسی روند حرکتی ایران در ۱۱ سال اخیر نشان‌دهنده حرکت ما به سمت فساد بیشتر بوده است. موضوع حقوق‌های نجومی و نامتعارف در چندماه اخیر نیز شکل جدیدی از فساد اقتصادی و اداری را نمایان کرده است. البته مساله فساد مالی در هر جامعه‌ای زشت و ناپسند است اما این مسأله در کشور ما به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

دلیل اسلامی بودن و داشتن حاکمیت دینی زشت‌تر است. به قول امام صادق (ع) «إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَ إِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ إِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ؛ (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۷، ص۳۵۰) همانا خوبی از همگان نیک است و از تو(که منتسب به ما هستی) نیک‌تر و زشتی از همه ناپسند است و از تو (که منتسب به ما هستی) ناپسندتر؛ چون با ما پیونددارید». بنابراین همگان وظیفه دارند در مبارزه و کاهش این پدیده شوم اهتمام جدی بورزند.

تحقیق حاضر نیز با این هدف که زوایای مختلف موضوع فساد اقتصادی را براساس آیات‌قرآن کریم و روایات حضرات معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین مورد بررسی قرار دهد و در واقع روی راهکارهایی که برای کاهش فساد اقتصادی در منابع دینی مطرح شده است تمرکز کند، سامان یافت و این نتیجه حاصل شد که به‌کارگیری آموزه‌های دینی در زندگی باعث کاهش بروز فساد اقتصادی می‌شود. و براساس آیات و روایات، اصلی‌ترین مسأله در امر پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی، احیای معنویات، اخلاقیّات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد اقتصادی است. یعنی اگر هر فرد جامعه خود را ملتزم کند که این سه مورد فوق را با تمام جزئیاتش در زندگی اجرا کند ما اصلا شاهد فساد اقتصادی نخواهیم بود. اما از آن‌جایی که بنا بر آیات قرآن کریم، انسان موجودی است دو بعدی مادی و ملکوتی و میان این دو جنبه وجودی انسان همواره کشمکش هست. که در برخی از انسان‌ها بُعد مادی بر بعد ملکوتی چیره می‌شود و در برخی دیگر جنبه ملکوتی بر جنبه مادی. لذا در صورتی که این صفات مادی و حیوانی برانسان چیره شود و راه فساد اقتصادی را پیش گیرد چاره‌ای نیست جز اینکه با برخوردهای عملی از سوی سایر افراد جامعه (نظیر امر به معروف و نهی از منکر) و حتی دولت مبارزه با فساد اقتصادی به صورت جدی دنبال شود زیرا در غیر این صورت فساد این افراد سبب فاسد شدن سایر افراد جامعه خواهند شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. قم، جامعه مدرسین.

۲. اعظمی‌مقدم، مجید(۱۳۹۰)، مفهوم شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی. دوره۴، شماره۱۶، مجله علمی ترویجی کارآگاه.

۳. اکبرنژاد، مهدی، مینا یعقوبی، فرزاد غلامی (۱۳۹۳)، بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث. دوره ۲۲، شماره۱، مدیریت اسلامی.

۴. پاینده، ابوالقاسم(۱۳۸۲)، نهج الفصاحه(مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). تهران، دنیای دانش.

۵. پرور، اسماعیل(۱۳۸۸)، مبارزه با فقر و فساد در سیره نبوی. قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، دفترعقل.

۶. تانزی، ویتو(۱۳۷۸)، مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی. شمارهٔ ۱۴۹و ۱۵۰، اطلاعات سیاسی- اقتصادی.

۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد(۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم. قم، دارالکتاب الإسلامی.

۸. خدیوی، سعید(۱۳۹۵)، ابعاد اقتصادی سبکِ زندگی معنوی از دیدگاه اسلام و راهبردهای نهادینه‌سازی آن در شهر مشهد. قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، رساله دکتری.

۹. دادگر، حسن و غلامعلی معصومی نیا(۱۳۸۶)، فساد مالی. تهران، کانون اندیشه جوان.

۱۰. دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی(۱۳۷۷)، بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران. شماره ۲۵، تهران، مجلس و پژوهش.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن. بیروت، دارالعلم، الدار الشامیه.

۱۲. رحیمیان، نرگس(۱۳۹۳)، بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن. سال چهاردهم، شماره ۹ و۱۰، مجله اقتصادی.

۱۳. الرضی، محمد بن حسین(۱۴۱۴ق)، نهج البلاغهٔ. قم، هجرت.

۱۴. رفیع‌پور، فرامرز(۱۳۸۶)، سرطان اجتماعی فساد. تهران، شرکت سهامی انتشار.

۱۵. رهبر، فرهاد، فضل‌الله میرزاوند، غلامرضا زال‌پور(۱۳۸۱)، بازشناسی عارضه فساد مالی. ج۱، تهران، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

۱۶. ری شهری، محمد(۱۴۲۱ق)، موسوعهٔ الامام علی بن ابی طالب علیه السلام. قم، نشر دارالحدیث.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱۷.شیخ صدوق، ابن بابویه قمی(۱۳۶۲)، خصال. تهران، مکتبه صدوق.
۱۸.عزتی، مرتضی، گلنار بهمن کریمی(۱۳۹۳)، طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی. دوره۲، شماره۶، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان.
۱۹.قربانی، عادل، میرفرهاد صدیق محمدی(۱۳۸۷)، راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی در ایران. تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲۰.کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق(۱۴۰۷ق)، الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۱.مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوارالجامعۀ لدرر أخبار الأئمۀ الأطهار. بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۲۲.محنت‌فر، یوسف، شهریار شفیعی(۱۳۸۲)، فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن. شماره ۲۷ و ۲۸، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی.
۲۳.مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۴)، تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۴.نوری، حسین بن محمد تقی(۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

1. Durkheim, Emile, 1951, suicide: A Study in Sociology, New York, The free Press.
2. Freud, Sigmund, 1953, Abriss der psychoanalyse. Das Unbehagen in der Kultur, Frankfurt a.M.
3. Lindbeck, Assar, The Swedish Experiment, Journal of Economic Literature, 1997, Vol.35, No.3.
4. Riesman, D. R. Denny Und N. Glazer, 1974(1958), Die einsame Masse, Eine Untersuchung der Wandlungen des amerikanischen Charakters. Hamburg: Rowohlt.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]